

Shiite Studies

September 2023, Vol. 10, No. 24, 27-48

The Quranic Exegesis Attributed to Imam al-Ḥasan al-ʿAskari (a): Extent of Validity

Seyyed Razi Ghaderi¹

Mehrdad Divsalar²

Seyyed Mohammad Ghaderi³

(Received on: 2022-07-12; Accepted on: 2023-08-27)

Abstract

The Quranic exegesis attributed to Imam al-Ḥasan al-ʿAskari (a) is a very controversial book among Shiite scholars. On the one hand, there are prominent scholars on both sides of opponents and proponents of the book's validity, and on the other hand, each camp has presented compelling evidence in favor of their respective position. Since some of the hadiths within this exegetical book has garnered attention in issues of jurisprudence and its principles, it is necessary to study the extent of validity of this Quranic exegesis by scrutinizing the views and arguments of both sides. The question of this article concerns the extent of validity of the Quranic exegesis attributed to Imam al-Ḥasan al-ʿAskari (a). The findings of this research indicates that the arguments presented by advocates of the book's validity are more cogent. Despite its deficiencies, this Quranic exegesis is valid with respect to its chain of transmission. The contribution of this article is its comprehensive study of the views of scholars and their arguments pertaining to the validity of the book.

Keywords: Imam al-Ḥasan al-ʿAskari, Shiite scholars, exegesis, hadith, authoritativeness of the chain of transmission, validity, non-validity.

1. Level 4, Seminary of Qom, PhD in moral philosophy, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: razi.ghaderi@edu.bo.ac.ir

2. PhD, history and civilization of Islamic nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: m.divsalar@edu.ikiu.ac.ir

3. PhD, Islamic philosophy and theology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (corresponding author). Email: m.ghaderi@edu.ikiu.ac.ir

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) در میزان اعتبار

سیدرضی قادری^۱

مهرداد دیوسالار^۲

سیدمحمد قادری^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵]

چکیده

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) یکی از کتب بسیار مورد اختلاف عالمان شیعی است؛ از یک سو از حیث اقوال عالمان گران قدری در طیف مخالف یا موافق این کتاب قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر هر کدام از این طایفه دلایل متقنی ارائه کرده‌اند. از آنجاکه برخی از روایات این کتاب تفسیری در مباحث فقهی و اصولی مورد توجه واقع شده است، لازم است میزان اعتبار این تفسیر با مطالعه اقوال و دلایل هر کدام از طرفین بررسی شود. مسئله مقاله حاضر این است که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) تا چه میزانی معتبر و متقن است؟ یافته‌های پژوهش نشان از آن است که دلایل قایلان به اعتبار از اتقان بیشتری برخوردار است و این تفسیر با وجود داشتن ایراداتی، از حیث سند و حجیت معتبر است. وجه تمایز این نوشتار، تحقیق جامع در اقوال علما و معظم دلایل آنان در اعتبار و اعتبار نداشتن این کتاب است که سعی شده است به گونه فراگیر به آن پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری (ع)، عالمان شیعی، تفسیر، روایت، حجیت سند، اعتبار، عدم اعتبار.

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم، دکتری فلسفه اخلاق دانشگاه باقرالعلوم قم، قم، ایران razi.ghaderi@edu.b.o.ac.ir

۲. دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران m.divsalar@edu.ikiu.ac.ir

۳. دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

m.ghaderi@edu.ikiu.ac.ir

مقدمه

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) بین مفسران و فقهای شیعه و نیز محدثان و محققان از ابعاد مختلفی مورد بحث شدید قرار گرفته است. از آنجاکه برخی از روایات این کتاب تفسیری در مباحث فقهی و اصولی مورد توجه واقع شده است، هدف اصلی و مسئله پژوهش حاضر، بررسی میزان اعتبار این تفسیر با مطالعه اقوال و دلایل هر کدام از طرفین است. روشن شدن هر یک از این ابعاد می‌تواند بسیار راهگشا باشد؛ چراکه کمتر منبعی تا این اندازه مورد اختلاف قرار گرفته است و دلایل متعددی بر اعتبار یا اعتبار نداشتن آن اقامه شده باشد؛ بنابراین لازم است این تفسیر با بررسی آرای مخالفان و موافقان از حیث سند و حجیت، نقد و ارزیابی شود تا حق مطلب بر محققان و عالمان مبرهن گردد. با مطالعه اولیه این فرضیه به ذهن می‌رسد که قایلین به اعتبار کتاب تفسیر امام حسن عسکری (ع) از کثرت و قوت بیشتری برخوردار هستند؛ هر چند در طیف مقابل نیز عالمان گرانقدری حضور دارند؛ ولی نکته مهم دلایلی است که هر کدام از دو طیف بر اعتبار و اعتبار نداشتن این تفسیر اقامه کرده‌اند.

گفتنی است برخی روایات این کتاب در مباحث و ابواب مهمی از کتب فقهی و اصولی مورد توجه واقع شده و بدان استدلال شده است؛ مانند حجیت اقوال روایات و ثقات و فقها و نیز وجوب رجوع به آنها در بحث حجیت خبر واحد و نیز بحث اجتهاد و تقلید (انصاری، ۱۴۲۰ ب: ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۳) بر اساس روایت «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها إلى رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم» (تفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری، ۱۴۰۹: ص ۲۰۹)؛ نیز در ندریدن جامه در عزای بستگان (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۳۶) و در باب حرمت و تعریف سحر (انصاری، ۱۴۲۰ ب: ج ۱، ص ۲۷۰؛ نجفی، ۱۳۶۵: ج ۲۸، ص ۲۰۶) و موارد متعدد دیگر.

پیشینه تحقیق

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از جمله متون مورد بحث در سیره پژوهی اهل بیت (ع) است. درباره این تفسیر پژوهش‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است که به مواردی اشاره می‌شود. مقاله «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»^۱ نویسنده در این پژوهش بحث کمتری را به سند تفسیر اختصاص داده است و بیشتر بحث خود را به بررسی و تحلیل محتوای تفسیر متمرکز کرده است. مقالات «نگاهی به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»^۲ و «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»^۳ از جمله دیگر تحقیقاتی هستند که به بررسی انتساب و سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) پرداخته‌اند و از نظر روش و الگو در این مقاله نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما این دو نوشتار تمامی اسناد و روایات مبتنی بر ضعیف بودن سند یا اتقان آن را بررسی نکرده‌اند. مقاله نخست به اسناد دال بر اتقان سند وابسته است و دیگری تنها بر روایات مبتنی بر ضعیف بودن سند تکیه کرده است و از بین موافقان با مستند بودن سند تفسیر تنها به شیخ صدوق اشاره می‌کند. همچنین مقاله «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) در بررسی علامه شوشتری»^۴ با همین رویکرد نوشته شده است؛ با این وصف که مؤلف تنها به آرای علامه شوشتری در الاخبار الدخیله می‌پردازد. این مقالات به گزینش پاره‌ای روایات و اسناد مفید اما پراکنده بسنده کرده‌اند و با تکیه بر دریافت‌های شخصی در پی تحلیل آنها برآمده‌اند؛ ولی وجه تمایز نوشتار پیش‌رو تحقیق جامع در اقوال علما و نیز معظم دلایل آنان در اعتبار و اعتبار نداشتن این کتاب است که سعی شده است به گونه فراگیر به آن پرداخته شود.

۱. ساختار کتاب

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) تفسیری قرآنی است که از یک مقدمه و خطبه شروع شده است و دربرگیرنده تفسیر سوره‌های حمد و بقره تا آیه ۲۸۲ است؛ البته تفسیر

آیات ۱۱۵ تا ۱۵۷، ۱۷۸ تا ۱۹۷ و از ۲۱۱ تا ۲۸۱ موجود نیست. در این تفسیر ابتدا به فضایل قرآن و آداب و در تفسیر آیات به شرح و توضیح مفاهیم آیات پرداخته شده است. در برخی موارد شأن نزول آیات نیز آورده شده است؛ البته بعضی از نکات تأویل نیز ذیل برخی از آیات طرح شده است. از دیگر ویژگی‌های این تفسیر آن است که فضایل اهل بیت (ع) مکرر در آن بیان شده است. در پاره‌ای از موارد معجزاتی برای ائمه (ع) به ویژه درباره امام علی (ع) نقل شده است. گفتنی است در تقسیم‌بندی تفاسیر، این تفسیر از تفاسیر روایی امامیه به شمار می‌رود (رضایی اصفهانی، [بی تا]: ص ۱۸۵)؛ البته نکات صرفی و نحوی یا بلاغی در این تفسیر وجود ندارد.

۲. تاریخچه نگارش

با وجود آنکه امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ قمری به شهادت رسیده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ص ۴۴۹)، تا صد سال بعد نامی از این تفسیر در میان نیست و محدثان و دانشمندانی مانند کلینی، علی بن ابراهیم قمی، احمد برقی، احمد بن ادریس. جعفر بن قولویه، محمد بن همام بغدادی و محمد بن ابراهیم نعمانی اسمی از این کتاب نبرده‌اند یا روایتی از آن نقل نکرده‌اند؛ حتی نامی از راویان آن نیز متذکر نشده‌اند (شوشتری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۸۴). در اواسط قرن چهارم شیخ صدوق مندرجات این تفسیر را از محمد بن قاسم جرجانی استرآبادی نقل می‌کند؛ محمد بن قاسم استرآبادی با القابی چون خطیب و مفسر مطرح شده است. شیخ صدوق مندرجات این تفسیر را در کتب متعدد خود مانند عیون اخبار الرضا (ع)، التوحید، امالی و من لایحضره الفقیه آورده است. در مقدمه این تفسیر آمده است: «محمد بن زیاد و محمد بن یسار (یا محمد بن سیتار) که از شیعیان امامیه بوده‌اند، در زمان حسن بن زید علوی ملقب به الداعی الی الله [از حاکمان زیدیه] مورد بدخواهی قرار گرفتند؛ بنابراین به همراه خانواده به سامرا گریختند. سپس خدمت امام

حسن عسکری (ع) رسیدند. حضرت آنها را مورد استقبال قرار داد و مزده داد مشکل شان در استرآباد حل شده است و می توانند به آنجا برگردند. آنها خواستند که یوسف و علی فرزندان این دو نزد امام (ع) بمانند و به شکرانه نزد ایشان علم آموزی کنند. آنها به استرآباد برگشتند و خبر دادند مشکل حل شده است» (تفسیر الامام العسکری، ۱۴۰۹: ص ۱۲-۱۳). امام عسکری (ع) در مدت هفت سال روزانه تفسیر قرآن را به این دو نفر املا می کرد که تفسیر حاضر بخش کوچکی از آن است (نوری، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۶۶۴)؛ بنابراین ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سنیار (یسار) طی هفت سال این تفسیر را از امام حسن عسکری (ع) تقریر کرده اند.

۳. سند

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) این تفسیر را از محمد بن قاسم استرآبادی نقل می کند (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ الف: ج ۲، ص ۳۲۷) و استرآبادی هم از ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن یسار از شاگردان امام حسن عسکری (ع) روایت می کند. در مجموع در این تفسیر ۳۷۹ حدیث آمده است. بیشتر روایات طولانی و مفصل است؛ به طوری که گاهی یک روایت چند صفحه را دربر می گیرد؛ به گونه ای که ساختار روایی از بین می رود و اضطراب در آن نمایان می شود. هرچند بسیاری از عالمان و محققان محمد بن قاسم استرآبادی را تدوین کننده این تفسیر می دانند، باید گفت اگر شیخ صدوق را تدوین کننده این تفسیر ندانیم، باید او را تهذیب کننده این تفسیر بدانیم. برای صحت این ادعا می توان به بیان مرحوم نجاشی (متوفای ۴۵۰) استناد کرد (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۱۶) که ذیل آثار شیخ صدوق به دو اثر تفسیری ایشان (تفسیر القرآن الکریم و مختصر تفسیر القرآن) اشاره کرده است. شیخ صدوق هم در ذکر برخی از روایات تفسیری در برخی از کتاب هایش بیان می کند که باقی آن را در کتاب تفسیرش آورده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ص ۲۱۱).

گفتنی است برخی از دانشمندان شیعی مانند ابن شهر آشوب گمان کرده‌اند تفسیر امام عسکری به املائی امام هادی بوده است نه امام حسن عسکری (ع) (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ص ۲۹)؛ البته در منابع تاریخی و حدیثی دو تفسیر به این نام (تفسیر الامام العسکری) ثبت شده است؛ ولی بر اساس بیان شیخ حر عاملی، تفسیر امام هادی (ع) غیر از تفسیری است که از امام حسن عسکری (ع) نقل شده و مورد اشکال قرار گرفته است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۱۸۷). آقابزرگ تهرانی هم می‌نویسد: «تفسیری که ابن شهر آشوب در شرح حال "حسن بن خالد برقی" نقل می‌کند که در ۱۲۰ جلد و از املائی امام عسکری (ع) می‌باشد، مراد امام هادی (ع) است؛ چون اولاً: حسن بن خالد برقی دوران امام هادی (ع) را درک کرده و خدمت حضرت می‌رسید؛ بنابراین هرچه را امام هادی (ع) از تفسیر املائی فرمود، به رشته تحریر در آورده است؛ ثانیاً: امام هادی (ع) نیز ملقب به "صاحب العسکری" و "عسکری" می‌باشد» (طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۲۸۶). آقابزرگ در انتها می‌فرماید: «ظاهراً از تفسیر امام هادی (ع) هیچ اثری نمانده است و همانند بسیاری از تألیفات اصحاب و علمای ما، هیچ اطلاعی از آن در دست نیست و این تفسیر امام حسن عسکری (ع) از اجزای آن تفسیر بزرگ نیست (طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۲۸۶).

محمد باقر بن محمد حسینی مرعشی استرآبادی مشهور به میرداماد در شارع النجاة می‌نویسد: «برخی گمان کرده‌اند تفسیر امام حسن عسکری (ع) همان تفسیر علی بن ابراهیم قمی است»؛ البته ایشان قایلی برای این قول مطرح نمی‌کند؛ ولی در جواب می‌فرماید: «این توهم و خیال‌ها ناشی از عدم خبرویت و ضعف اطلاع از کتب و رجال است» (میرداماد استرآبادی، ۱۳۹۷: ص ۴۵).

بنابراین باید گفت دو تفسیر العسکری مطرح است؛ از تفسیر اول منسوب به امام هادی (ع) اثری موجود نیست و فقط نامی برده شده است؛ تفسیر دوم که موجود است، منسوب به امام حسن عسکری (ع) می‌باشد که محل بحث است.

۴. اقوال علما

این تفسیر در طول تاریخ مورد بحث و اختلاف علما واقع شده است؛ به گونه‌ای که کمتر کتابی تا این اندازه مورد بحث قرار گرفته است، هرچند کثرت و قوت یک طرف بیشتر است.

۴-۱. قایلان به اعتبار این کتاب

اولین عالم شیعی که به صحت و اعتبار این تفسیر توجه کرد، رئیس المحدثین شیخ صدوق است. او در کتاب‌های خودش مانند من لایحضره الفقیه، عیون اخبار الرضا (ع)، کمال الدین، امالی، التوحید، علل الشرایع و معانی الاخبار روایاتی با سند از امام حسن عسکری (ع) نقل می‌کند که این روایات با همان سند یا کمی متفاوت در این تفسیر موجود است.

البته باید گفت شیخ صدوق در ابتدای کتاب ارزشمند من لایحضره الفقیه می‌نویسد این کتاب را بین خود و خدایم حجت می‌دانم (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ب: ج ۱، ص ۱۲). پس حجیت این روایات نزد شیخ صدوق اثبات شده است.

قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ ق) در کتاب الخرائج و الجرائح مطالبی از این تفسیر نقل می‌کند که در معجزات و کرامات ائمه (ع) است (قطب راوندی، ۱۴۰۹: ص ۴۳، ۶۸ و ۹۶). ابومنصور طبرسی (متوفای ۵۸۸ ق) در کتاب الاحتجاج می‌نویسد: در بیشتر روایاتی که در این کتاب نقل می‌کنم، سند را نقل نمی‌کنم؛ به دلیل اینکه یا مطلب اجماعی است یا موافق حکم عقل است یا بین مخالف و موافق مشهور است. فقط روایاتی که از امام حسن عسکری (ع) نقل می‌کنم، سند آن را می‌آورم؛ چون این کتاب از حیث شهرت مانند سایر کتب نیست (طبرسی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۵). اسناد مدنظر طبرسی همان اسنادی است که در تفسیر امام حسن عسکری (ع) موجود است.

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ق) در چند مورد از کتاب مناقب روایاتی از این تفسیر نقل می‌کند. محقق کرکی (متوفای ۹۴۰ ق) و شهید ثانی در ذیل اجازات خود از این تفسیر هم

ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۵، ص ۸۹). شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ ق) در منیة المرید (شهید ثانی، ۱۴۰۲: ص ۱۳ - ۱۹؛ بهایی، ۱۳۸۷: ص ۲۶) روایاتی از این تفسیر نقل می‌کند. محمد تقی مجلسی معروف به مجلسی اول (متوفای ۱۰۷۰ ق) به صراحت این کتاب را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «حق آن است که این تفسیر از گنج‌های الهی است و امیدوارم چیزی از آن بر ما فوت نشود» (مجلسی، ۱۳۹۹: ج ۱۴، ص ۲۵۰).

محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی یا مجلسی دوم (متوفای ۱۱۱۱ ق) نیز می‌فرماید: «تفسیر امام حسن عسکری (ع) از کتاب‌های معروف بوده است و شیخ صدوق بر آن اعتماد کرد و روایاتی از آن را نقل کرده است؛ البته برخی از محدثان بر آن خدشه وارد کرده‌اند؛ ولی باید گفت شیخ صدوق آشنای به حدیث بوده است و از نظر زمان به این کتاب نزدیک‌تر از محدثان منتقد بوده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۷).

شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ق) در وسائل الشیعة (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۳۰، ص ۱۸۷) و اثبات الهداة (حر عاملی، ۱۴۲۵: ص ۳۰۲) روایات متعددی از این تفسیر نقل کرده است. فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق) در تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ص ۴۸)، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) در تفسیر برهان (بحرانی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۳) و حویزی (م ۱۱۱۲ ق) در تفسیر نورالثقلین روایات متعددی از تفسیر امام حسن عسکری (ع) بیان کرده‌اند. شیخ حسن بن سلیمان حلّی شاگرد شهید اول می‌فرماید: «این تفسیر مورد اجماع و تأیید علمای امامیه است و جماعتی از علمای امامیه نیز روایات آن را مکرر نقل کرده‌اند» (حلّی، [بی‌تا]: ص ۵۷).

وحید بهبهانی (۱۲۰۶ ق) (بهبهانی، [بی‌تا]: ص ۳۱۶)، سید عبدالله شبر (۱۲۴۲ ق) (شبر، [بی‌تا]: ۱۹۶)، سید حسین بروجردی (۱۲۶۷ ق) در الصراط المستقیم (بروجردی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۸۶)، حجت الاسلام تبریزی در صحیفة الأبرار (تبریزی، ۱۳۸۴: ص ۴۹۴)، شیخ عبدالله بحرانی در عوالم العلوم و المعارف (بحرانی، ۱۴۰۷: ص ۱۹۶) و شیخ عبدالله مامقانی

صاحب کتاب تنقیح المقال (مامقانی، ۱۴۲۳: ج ۳، ص ۱۷۵) نیز از تأییدکنندگان این تفسیر بوده‌اند. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ق) در فرائد الاصول (انصاری، ۱۴۲۰ ب: ج ۱، ص ۱۱۱) به روایتی از این تفسیر استناد می‌کند که نشان از توجه ایشان به این کتاب است. محدث نوری (۱۳۲۰ ق) بعد از نقل اقوال مختلف فقها در مورد این تفسیر، قراین و دلایلی بر حجیت این کتاب طرح می‌کند در آخر می‌نویسد: «بنابراین از نظر صحت در مورد این تفسیر هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند» (نوری، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۱۹۴). همچنین آیت‌الله بروجردی (۱۳۸۰ ق) معتقد به اعتبار این تفسیر بوده است (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۰: ص ۴۳)؛ و آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ق) که کتاب‌شناس متخصصی است، مباحث مفیدی بر اعتبار این تفسیر اقامه می‌کند (طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۲۹۲).

۲-۴. قایلان به عدم اعتبار

اولین عالم شیعی که به این تفسیر خدشه و طعن وارد کرد، احمد بن حسین بن عبدالله غضائری (اوایل قرن پنجم) است (ابن غضائری، ۱۴۲۳: ج ۶، ص ۲۵). ابن غضائری در کتاب رجالش که به «کتاب الضعفاء» مشهور است، به صراحت راوی این تفسیر (محمد بن قاسم استرآبادی) را فردی کذاب و ضعیف معرفی می‌کند و دو نفر مقرر این تفسیر را (یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن یسار) مجهول الحال می‌داند و بعد می‌نویسد: «کتاب تفسیر مذکور پر از منکر و مضامین ناپسندی است و این تفسیر موضوع و از جعلیات سهل‌الدیاجی از پدرش می‌باشد» (ابن غضائری، ۱۴۲۳: ج ۶، ص ۲۵). علامه حلی دومین عالم شیعی است که به تبع ابن غضائری قایل به اعتبار نداشتن این کتاب است. علامه حلی در خلاصة الاقوال اسم راوی این تفسیر را می‌برد و می‌فرماید: «و التفسیر موضوع» (حلی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۶).

سید مصطفی نفرشی (از علمای قرن یازدهم) (نفرشی، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۳۰۲)، محمد بن علی اردبیلی صاحب جامع الرواة (از علمای قرن یازدهم) (اردبیلی، [بی تا]: ج ۲، ص ۱۸۲) هر دو از علمای رجالی متأخر، قایل به اعتبار نداشتن این راوی و تفسیر مذکور هستند. شیخ محمد تقی شوشتری از عالمانی است که به تفصیل درباره این تفسیر بحث می کند و اشکال های بسیاری از حیث سند و محتوا متوجه این تفسیر کرده است و در آخر می فرماید: «این تفسیر نمی تواند از امام حسن عسکری (ع) باشد» (شوشتری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۲۸). محمد جواد بلاغی صاحب کتاب تفسیر آلاء الرحمن می فرماید: «اما التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (ع) انه مکذوب موضوع» (بلاغی، ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۴۹). آیت الله خویی در معجم رجالش ابتدا اشکال سندی در مورد راوی این تفسیر مطرح می کند (خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ص ۱۴۷)؛ سپس می فرماید این راوی از دو نفر روایت می کند که این تفسیر را از امام (ع) تقریر کرده اند؛ در حالی که این دو نفر مجهول الحال هستند. بعد اشکال محتوایی را متذکر می شود و می فرماید: «مع ان الناظر فی هذا التفسیر لایشک فی انه موضوع و جلّ مقام عالم محقق ان یکتب مثل هذا التفسیر فکیف بالامام (ع)» (خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ص ۱۴۷). میرزا ابوالحسن شعرانی صاحب حاشیه مجمع البیان اشکال های محتوایی بسیاری را بر این تفسیر طرح می کند و می فرماید: مطالبی در این کتاب آمده است که آدمی شرم از نقل آن دارد و خواندن آن نیز مسمت زکننده است (شعرانی، ۱۳۸۶: ج ۱۰، ص ۵۸۰). بنابراین به لحاظ اقوال علما مشخص شد بیشتر علمای شیعه قایل به اعتبار این تفسیر شده اند و در مقابل برخی از علمای صاحب نظر نیز به اعتبار نداشتن یا جعلی بودن این تفسیر قایل شده اند. از آنجا که در گروه دوم یعنی قایلان به اعتبار نداشتن عالمان ارزشمند و صاحب نظری وجود دارند، باید دلایل اعتبار نداشتن را از دیدگاه این عالمان بررسی کرد و در صورت امکان به پاسخگویی از آن پرداخت.

۳-۴. دلایل عدم اعتبار

عالمان قایل به اعتبار نداشتن یا جعلی بودن این تفسیر دلایل متعددی را یادآور شده‌اند؛ برخی مانند محقق شوشتری چهل اشکال را بر این تفسیر مطرح می‌کند (شوشتری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۵۱-۲۲۵)؛ ولی در اینجا اشکال‌های مهم را بررسی می‌کنیم، به دلیل اینکه برخی از اشکال‌ها جمع‌شدنی و تداخل در یکدیگر دارند و از سوی دیگر برخی از این اشکال‌ها قابل تسری در منابع و کتب اصلی نیز می‌باشد؛ افزون بر اینکه برخی از اشکال‌ها چندان مهم نیست.

۱-۳-۴. ذکر نکردن مفسران و محدثان

محقق شوشتری می‌فرماید: اگر این تفسیر از امام حسن عسکری (ع) باشد، باید مفسرانی مانند علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود عیاشی از این تفسیر نقل می‌کردند؛ در حالی که تفاسیرشان خالی از این تفسیر است (شوشتری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۵۱-۲۲۵). مرحوم شعرانی نیز همین اشکال را طرح می‌کند و می‌فرماید: در تفاسیر متأخر مثل مجمع البیان ما یک روایتی از آن تفسیر نمی‌بینیم و این نشان می‌دهد تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) جعلی است (شعرانی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۶۵۲). در جواب باید گفت اولاً: ممکن است این تفسیر به دست آنها نرسیده باشد، به ویژه اینکه زمان امام عسکری (ع) خفقان بیشتری حاکم بوده است. ثانیاً: اگر بپذیریم راوی این تفسیر معاصر با دیگر مفسران و محدثان بوده است، نمی‌توان اثبات کرد با آن مفسران از حیث جغرافیایی در یک منطقه بوده‌اند.

۲-۳-۴. مدت زمان تألیف

در مقدمه تفسیر امام عسکری (ع) آمده است یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد

بن سیار گفته اند ما هفت سال خدمت امام (ع) بودیم و هر روز مقداری از تفسیر را امام (ع) املا می کرد و ما می نوشتیم (تفسیر الامام العسکری، ۱۴۰۹: ص ۱۲).
محقق شوشتری اشکال می کند مدت امامت امام عسکری (ع) حداکثر شش سال بوده است؛ حضرت در سال ۲۶۰ به شهادت رسیده است و این تناقض است (شوشتری، [بی تا]: ج ۱، ص ۱۶۲). در این باره شاید بتوان گفت شروع تفسیر در دوران امام هادی (ع) از سوی ایشان یا امام عسکری (ع) در عسکر سامرا بوده و ادامه یافته است.

۳-۳-۴. وجود مضامین ناپسند

یکی از مهم ترین اشکال های از حیث محتوا بر این تفسیر، وجود روایات منکر است؛ روایاتی که یا با موارد یقینی تاریخ سازگار نیست یا از حیث مضمون بسیار ناپسند است و موجب اشمئزاز می شود (شوشتری، [بی تا]: ج ۱، ص ۱۶۹؛ شعرانی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۵۶۲)؛ برای در این تفسیر آمده است: «حجاج بن یوسف ثقفی وارد کوفه شد و مختار را دستگیر کرد و ضرباتی شمشیر بر مختار زد؛ ولی بر مختار اثری نکرد، همچنان که کارد بر اسماعیل اثر نکرد. مختار گفت من برای امر خاصی آفریده شده و تاکنون زنده ام و تا آن امر خاص را به سرانجام نرسانم، مرگم فرامی رسد»؛ در حالی که مختار در سال ۶۷ قمری کشته شد و حجاج در سال ۷۵ به حکومت رسید (تفسیر الامام العسکری، ۱۴۰۹: ص ۵۴۶).
آیت الله خویی با توجه به اشکال های محتوایی می فرماید: اگر کسی در این تفسیر نظر بیندازد، در مقام یک عالم محقق بعید است چنین تفسیری بنویسد تا چه رسد به امام (ع) (خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ص ۱۲۵). در جواب باید گفت روایات منکر یا مخالف با قطعیات تاریخی و مانند آن در کتب معتبر هم وجود دارد و وجود چنین روایاتی موجب نمی شود تمام روایات دیگر را زیر سؤال ببریم که هم مورد عمل فقها قرار گرفته است هم مضامین آن توسط روایات دیگر تأیید شده است.

۴-۳-۴. مقرران مجهول حال

یکی از اشکال‌های سندی مرحوم خوئی و برخی دیگر از اندیشمندان این است که دو مقرر این تفسیر از امام عسکری (ع) مجهول الحال هستند؛ یعنی درباره یوسف بن محمد زیاد و علی بن محمد بن سیار هیچ مدح و ذمی در کتاب رجال وارد نشده است (خوئی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۲۵ و ج ۱۳، ص ۱۵۹؛ شوشتری، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۲۴۶)؛ بنابراین این تفسیر از حیث سند کاملاً خدشه پذیر است و نمی‌توان بر آن اعتماد کرد؛ چون هیچ اطلاعی از این دو نفر در دسترس نیست و اصلاً معلوم نیست شیعه باشند یا سنی. در جواب این اشکال باید گفت همان طور که برخی از علما مانند مجلسی اول (مجلسی، ۱۳۹۹: ج ۱۴، ص ۲۵۰) و مجلسی دوم (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۲۸) متذکر شده‌اند، شاید بتوان اعتماد شیخ صدوق و نقل روایات متعدد از این تفسیر را نشان از اعتبار سند این تفسیر دانست. افزون بر این که شیخ صدوق در مقدمه من لایحضره الفقیه می‌فرماید: روش مادر این کتاب، روش مؤمنان عادی نیست که در نقل روایت سهل‌انگار هستند، بلکه روش ما نقل روایتی است که طبق آن فتوا داده و حکم به صحت آن می‌کنم؛ بنابراین آنچه بین خودم و خدایم حجت می‌دانم، نقل می‌کنم (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ب: ج ۱، ص ۱۲).

۴-۳-۵. ضعف و کذاب بودن راوی تفسیر

مهم‌ترین اشکال در سند این تفسیر که سبب شد عالمان متأخر به ویژه رجالیون از این اشکال بهره‌گیرند و تفسیر مذکور را از اعتبار خارج کنند، اشکال به ضعف و کذب راوی این تفسیر است.

اولین کسی که این اشکال را مطرح کرد، احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری است (حلی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۶). ابن غضائری در کتاب الضعفاء سه نکته دارد: اول: محمد بن قاسم استرآبادی که ابوجعفر شیخ صدوق از او روایت می‌کند، ضعیف و دروغ‌گوست.

دوم: راوی مذکور این تفسیر را از دو نفر مجهول الحال نقل کرده است که ادعا کرده اند این تفسیر را امام حسن عسکری (ع) به آنها املا کرده است و آنها تقریر کرده اند. سوم: این تفسیر از جعلیات سهل دیباجی است. سپس ابن غضائری نتیجه می‌گیرد این تفسیر موضوع و جعلی است (حلی، ۱۴۱۱: ص ۲۵۶).

از اشکال ابن غضائری جواب‌های متعدد و قابل توجهی داده شده است که بدین ترتیب است:

اول: انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری ثابت نیست؛ چون ابن غضائری از علمای نیمه اول قرن پنجم است؛ ولی این کتاب او دو قرن بعد به دست احمد بن طاووس (متوفای ۶۷۳ ق) پیدا می‌شود و خود احمد بن طاووس صحت کتاب ابن غضائری را تایید نمی‌کند و می‌گوید: من به کتاب‌های رجال شیخ طوسی و کشی و نجاشی طریق متصل دارم؛ ولی به کتاب ابن غضائری طریق ندارم (سبحانی، ۱۴۱۰: ص ۸۳)؛ پس خود ابن طاووس صحت این کتاب به ابن غضائری را تایید نمی‌کند؛ به همین دلیل آقابزرگ تهرانی می‌فرماید: مؤلف این کتاب منسوب به ابن غضائری از دشمنان شیعه است (طهرانی، ۱۴۰۳: ۴/۲۲۵). آیت‌الله خوئی با وجود طرح همین اشکال سندی، صحت انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضائری را ثابت نمی‌داند (خوئی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۱۴).

دوم: نظر ابن غضائری در مباحث رجال مورد حجیت و استناد علما و رجالیون واقع نمی‌شود. وحید بهبهانی می‌فرماید: تضعیفات ابن غضائری مستند به سماع و شهادت نیست، بلکه بر اساس اجتهاد شخصی وی بوده است؛ بنابراین اعتباری ندارد (بهبهانی، [بی تا]: ص ۳۱۶).

سوم: برخی از عالمان معتقدند ابن غضائری در علم رجال از تخصص کافی برخوردار نبوده است؛ بنابراین سریع الجرح بوده و بدون اندک تأملی به تضعیف پرداخته است (میرداماد، ۱۴۲۲: ص ۱۰۰).

چهارم: برخی از اصحاب و راویان جلیل‌القدر مورد تضعیف ابن‌غضائری واقع شده‌اند که به تعبیر محمدتقی مجلسی دور از پرهیزگاری و تقواست؛ در حالی که این اصحاب و راویان مورد تجلیل و توثیق رجالیون متقدمی چون شیخ طوسی و نجاشی قرار گرفته‌اند (مجلسی، ۱۳۹۹: ج ۱۴، ص ۳۵۶).

پنجم: شیخ صدوق در برخی نقل‌های خود از محمد بن قاسم استرآبادی با عنوان مفسر و خطیب یاد می‌کند و برای او رضای الهی را طلب کرده است (شیخ صدوق، ۱۴۲۵: ص ۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ج ۱، باب ۱۹)؛ حتی آیت‌الله خوبی که اشکال سندی را طرح می‌کند، در جایی دیگر راوی را مورد اعتماد شیخ صدوق می‌داند؛ حتی خود نیز این اعتبار را می‌پذیرد.

ششم: نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که بر اساس تحقیق مبنای موثوق‌الصدور اقرب به حق است تا ثقه بودن راوی. بر اساس این مبنا وقتی می‌بینیم بخش زیادی از روایات تفسیر امام حسن عسکری (ع) در کتب فقهی مطرح و مورد توجه و افتاء قرار گرفته است، نشان از شهرت فتوایی فقها بر طبق این روایات می‌دهد. شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۰ الف: ج ۱، ص ۱۱۱) و دیگر علمای فقه و اصول به روایت «من کان من الفقها...» به استناد همین تفسیر امام (ع) پرداخته‌اند و استدلال‌ها و براهین خود را در طول این روایت مطرح کرده‌اند که نشان از مورد توجه بودن روایات این کتاب است؛ افزون بر اینکه شهرت روایی در اینجا حجیت را بر همگان تمام می‌کند؛ حتی شعرانی که برخی از اشکال‌های شدید محتوایی بر این تفسیر مطرح می‌کند، در برخی از تألیفاتش (تعلیقه علی وسائل الشیعه) به روایات متعددی از این تفسیر استناد می‌کند؛ این مسائل نشان می‌دهد این عالمان اگر انتقاد و اشکالی به این تفسیر دارند، مرادشان این نیست که تمام روایات این تفسیر را مجعول و مخدوش بدانند.

نتیجه

با بررسی اقوال و دلایل در مسئله روشن می‌شود قایلان به اعتبار کتاب تفسیر امام حسن عسکری (ع) از کثرت و قوت بیشتری برخوردار هستند؛ هرچند در طیف مقابل عالمان گران قدری هستند؛ ولی آنچه باید توجه کرد دلایلی است که طیف مقابل بر اعتبار نداشتن این تفسیر اقامه کرده‌اند. با بررسی مشخص می‌شود این دلایل از اتقان برخوردار نیستند و مخدوش هستند. مهم‌ترین دلیل در قسمت محتوایی وجود برخی روایات با مضامین ناصحیح است. در جواب گفته شد این چنین روایات در کتب معتبر و اصیل نیز موجود است و تنها با وجود چنین روایاتی نمی‌توان کل کتاب و روایات آن را از حجیت خارج کرد. مهم‌ترین اشکال در قسمت سند نیز این بود که راوی این تفسیر فرد کذاب و ضعیفی است؛ اما با بررسی کامل مبرهن شد این اشکال و تضعیف از ابن غضائری مطرح شده است و اشکال وارد نیست و شاید بتوان اعتماد بزرگانی مانند شیخ صدوق را کافی در حجیت و اعتبار آن دانست. بنابراین نتیجه نهایی تحقیق مبتنی بر این است که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) از اعتبار برخوردار است؛ البته روایات آن مانند دیگر منابع شیعی نیازمند بررسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مایرام براشر؛ «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»؛ ترجمه محمد حسن محمدی مظفر؛ دوفصلنامه هفت آسمان، دوره ۱۵، تابستان ۱۳۹۲.
۲. سعید رضوی؛ «نگاهی به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»؛ نشریه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵.
۳. مهدی لطفی؛ «سند تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»؛ نشریه مطالعات قرآن و حدیث، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
۴. احمد صادقی اردستانی؛ «مبانی قرآنی نهضت عاشورا»؛ بینات، سال ۱۶، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸.

کتابنامه

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۸۳۱ ق)؛ معالم العلماء؛ نجف: مطبعة الحیدریه.
_____ (۳۴۱ ق)؛ مناقب آل ابی طالب؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی.
ابن غضائری، احمد بن حسین (۳۲۴۱ ق)؛ رجال ابن غضائری یا الضعفاء؛ قم: دارالحدیث.
اردبیلی، محمد بن علی [بی تا]؛ جامع الرواة؛ [بی جا]: [بی نا].
انصاری، شیخ مرتضی (۲۴۱ الف)؛ المکاسب؛ قم: انتشارات کنگره.
_____ (۲۴۱ ب)؛ فرائد الاصول؛ قم: انتشارات کنگره.
بحرانی، سیدهاشم (۹۸۳۱ ق)؛ تفسیر برهان؛ تهران: کتاب صبح تهران.
بحرانی، عبدالله بن نورالله (۷۰۴۱ ق)؛ عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من آیات و الاخبار و الاقوال؛
محقق: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی؛ قم: مدرسه الإمام المهدي (ع).
بروجردی، سید حسین (۶۱۴۱ ق)؛ تفسیر الصراط المستقیم؛ تحقیق: غلامرضا مولانا بروجردی؛ قم:
مؤسسه انصاریان.
بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۵۳۱ ق)؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ لبنان: صیدا.
بهایی، محمد بن حسین عاملی (۷۸۳۱ ق)؛ اربعون؛ مترجم: عفیفی بخشایشی؛ قم: دفتر نشر نوید اسلام.
تبریزی، محمدتقی (۴۸۳۱ ق)؛ صحیفة الابرار؛ قم: مکتبه الداوری.
تفرشی، سیدمصطفی (۸۱۴۱ ق)؛ نقد الرجال؛ قم: مؤسسه آل البيت.
حر عاملی، محمد بن الحسن (۴۱۴۱ ق)؛ وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
_____ (۵۲۴۱ ق)؛ اثبات الهداة؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی.
حسینی میرداماد، سیدمحمد (۲۲۴۱ ق)؛ الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث الامامیه؛ قم: دارالحدیث.
حلی، حسن بن سلیمان [بی تا]؛ مختصر بصائر الدرجات؛ قم: انتشارات الرسول المصطفی.
حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۱۴۱ ق)؛ خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال؛ قم: دفتر
انتشارات اسلامی.
خویی، سیدابوالقاسم (۳۰۴۱ ق)؛ معجم رجال الحدیث؛ قم: دارالزهرا.
رضایی اصفهانی، محمدعلی [بی تا]؛ درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری؛ [بی جا]: مرکز جهانی
علوم اسلامی.

- سبحانی، جعفر (۱۴۱ ق)؛ کلیات فی علم الرجال؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شبر، سید میر عبد الله [بی تا]؛ الجوهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین؛ [بی جا]: [بی نا].
- شعرانی، ابوالحسن (۶۸۳)؛ حاشیه مجمع البیان: پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین؛ به تحقیق محمدرضا غیائی کرمانی؛ قم: بوستان کتاب.
- شوشتری، محمد تقی (۷۰۴ ق)؛ الاخبار الدخیله؛ قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۷۱۴ ق)؛ قاموس الرجال؛ قم: جامعه مدرسین.
- شهید ثانی، زین الدین علی (۲۰۴ ق)؛ منیة المرید؛ قم: دار المرتضی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۴۱۴ ق)؛ الإیضاد فی معرفة حُججِ الله علی العباد؛ قم: دار المفید.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۵۵۳)؛ امالی؛ تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- _____ (۲۸۳)؛ علل الشرایع؛ قم: انتشارات مؤمنین.
- _____ (۹۸۳)؛ عیون اخبار الرضا؛ ترجمه: محمد صالح بن محمد باقر قزوینی؛ قم: مسجد مقدس جمکران.
- _____ (۳۰۴ الف)؛ الخصال؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۳۰۴ ب)؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۵۲۴ ق)؛ معانی الاخبار؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی بروجردی، سید حسین (۱۰۴۱ ق)؛ جامع احادیث الشیعه؛ قم: انتشارات مهر.
- طبرسی، احمد بن علی (۳۱۴ ق)؛ الاحتجاج؛ قم: انتشارات هادی.
- طهرانی، آقابزرگ (۳۰۴ ق)؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ بیروت: دار الاضواء.
- فیض کاشانی، محسن (۶۸۳)؛ تفسیر صافی؛ قم: انتشارات نوید اسلام.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۹۰۴ ق)؛ الخرائج و الجرائح؛ قم: انتشارات هادی.
- مامقانی، عبد الله (۳۲۴ ق)؛ تنقیح المقال فی علم الرجال؛ قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- مجلسی، محمد باقر (۴۰۴ ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفا.
- مجلسی، محمد تقی (۴۷۳)؛ لوامع صاحبقرانی؛ قم: انتشارات اسماعیلیان.
- _____ (۹۹۳)؛ روضه المتقین؛ قم: دارالعلمیه.
- منسوب به: امام حسن عسکری (ع) (۹۰۴ ق)؛ تفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری؛ محقق: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه آل البيت.

- میرداماد استرآبادی، محمد باقر بن محمد حسینی مرعشی (۷۹۳۱)؛ شارع النجاة، قم: انتشارات هادی.
- نجاشی، احمد بن علی (۷۰۴۱ ق)؛ رجال النجاشی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۵۶۳۱)؛ جواهر الکلام؛ قم: مؤسسه آل البيت.
- نوری، میرزا حسن (۵۱۴۱ ق)؛ خاتمه المستدرک؛ قم: مؤسسه آل البيت.
- وحید بهبهانی، محمد باقر [بی تا]؛ التعلیفه علی منهج المقال؛ [بی جا]: [بی نا].

References

- Anṣārī, Shaykh al-Murtaḍā al-. 1420a AH. *Al-Makāsib*. Qom: Kongereh Publications.
- Anṣārī, Shaykh al-Murtaḍā al-. 1420a AH. *Farā'id al-uṣūl*. Qom: Kongereh Publications.
- Ardabīlī, Muḥammad b. 'Alī al-. n.d. *Jāmi' al-ruwāt*. N.p.
- Bahā'ī, Muḥammad b. al-Ḥusayn al-'Āmilī al-. *Arba'ūn*. Translated by Afifi Bakshayeshi. Qom: Daftar Nashr Navid Islam.
- Baḥrānī, 'Abd Allāh b. Nūr Allāh al-. *Awālim al-'ulūm wa-l-ma'ārif wa-l-aḥwāl min al-āyāt wa-l-akhbār wa-l-aqwāl*. Edited by Muḥammad Bāqir Muwaḥḥid Abṭāḥī Iṣfahānī. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi.
- Baḥrānī, Sayyid Hāshim al-. 1389 AH. *Tafsīr burhān*. Tehran: Ketab Sobh Tehran.
- Balaghi Najafi, Mohammad Javad. 1351 AH. *Ālā' al-rahmān fī tafsīr al-Qur'ān*. Lebanon: Sayda.
- Burūjirdī, Sayyid Ḥusayn al-. 1416 AH. *Tafsīr al-ṣirāṭ al-mustaqīm*. Edited by Gholamreza Molana Borujerdi. Qom: Ansarian Institute.
- Fayḍ al-Kāshānī, Muḥsin al-. 1386 Sh. *Tafsīr al-ṣāfi*. Qom: Navid Islam Publications.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Sulaymān al-. n.d. *Mukhtaṣar baṣā'ir al-darajāt*. Qom: al-Rasul al-Mustafa Publications.
- Ḥillī, al-Ḥasan b. Yūsuf b. Muṭahhar al-. 1411 AH. *Khulāṣat al-aqwāl fī ma'rifa aḥwāl al-rijāl*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1414 AH. *Wasā'il al-Shī'a*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1425 AH. *Ithbāt al-hudāt*. Beirut: Al-A'lamī Institute.

- Ḥusaynī Mīrdāmād, Sayyid Muḥammad al-. 1422 AH. *Al-Rawāshih al-samāwiyya fī sharḥ aḥādīth al-Imāmiyya*. Qom: Dar al-Hadith.
- Ibn al-Ghaḍā'irī, Aḥmad b. al-Ḥusayn. 1423 AH. *Rijāl Ibn al-Ghaḍā'irī (al-Du'afā')*. Qom: Dar al-Hadith.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad b. 'Alī. 1380 AH. *Ma'ālim al-'ulamā'*. Najaf: Matba'a al-Haydariyya.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad b. 'Alī. 1430 AH. *Manāqib Āl Abī Ṭālib*. Beirut: al-A'lamī Institute.
- Imam al-Ḥasan al-'Askarī. 1409 AH. *Al-Taḥsīn al-mansūb ilā l-Imam Abī l-Ḥasan ibn 'Alī al-'Askarī*. Edited by Muḥammad Bāqir Muwahḥhid Abṭāḥī Iṣfahānī. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1403 AH. *Mu'jam rijāl al-ḥadīth*. Qom: Dar al-Zahra.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1404 AH. *Bihār al-anwār*. Beirut: al-Wafa Institute.
- Majlisī, Muḥammad Taqī al-. 1374 Sh. *Lawāmi 'Shāhibqarānī*. Qom: Esmaelian Publications.
- Majlisī, Muḥammad Taqī al-. 1399 Sh. *Rawḍat al-muttaqīn*. Qom: Dar al-'Ilmiyya.
- Māmaqānī, 'Abd Allāh al-. 1423 AH. *Tanqīḥ al-maqāl fī 'ilm al-rijāl*. Qom: Mu'assasa Al al-Bayt li-Ihyā' al-Turath.
- Mīrdāmād Astarābādī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad al-Ḥusaynī al-Mar'ashī. 1397 Sh. *Shāri' al-nijāt*. Qom: Hadi Publications.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan al-. 1365 Sh. *Jawāhir al-kalām*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Najāshī, Aḥmad b. 'Alī al-. 1407 AH. *Rijāl al-Najāshī*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Nūrī, Mīrzā Ḥasan al-. 1415 AH. *Khātimat al-mustadrak*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Quṭb al-Rāwandī, Sa'īd b. Hibat Allāh. 1409 AH. *Al-Kharā'ij wa-l-jarā'ih*. Qom: Hadi Publications.
- Rezaee Esfehāni, Mohammad Ali. n.d. *Darsnāmi-yi rawish-hā wa girāyish-hāyi tafsīrī*. N.p.: Word Center for Islamic Sciences.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh al-. 1355 Sh. *Al-Amālī*. Tehran: Islamiyya Bookstore.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh al-. 1382 Sh. *'Ilal al-sharā'ī'*. Qom: Mu'minīn Publications.
- Ṣadūq, Muḥammad b. 'Alī b. Bābawayh al-. 1389 Sh. *'Uyūn akhbār al-Riḍā*. Translated into Persian by Muhammad Salih b. Muhammad Baqir Qazwini. Qom: Jamkaran Holy Mosque.

- Şadūq, Muḥammad b. ‘Alī b. Bābawayh al-. 1403a AH. *Al-Khiṣāl*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Şadūq, Muḥammad b. ‘Alī b. Bābawayh al-. 1403b AH. *Man lā yaḥḍuruh al-faqīh*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Şadūq, Muḥammad b. ‘Alī b. Bābawayh al-. 1425 AH. *Ma‘ānī l-akhbār*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn ‘Alī al-. 1402 AH. *Munyat al-murīd*. Qom: Dar al-Murtaza.
- Sha‘rani, Abolhasan. 1386 Sh. *Hāshiya majma‘ al-bayān: pazhūhish-hāyi Qur‘ānī-yi ‘Allāma Sha‘rānī dar tafāsīr majma‘ al-bayān, rūḥ al-jinān wa manhaj al-şādiqīn*. Edited by Mohammad Reza Ghiasi Kermani. Qom: Boostan-e Ketab.
- Shaykh al-Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad al-. 1414 AH. *Al-Irshād fī ma‘rifat ḥujaj Allāh ‘alā l-‘ibād*. Qom: Dar al-Mufīd.
- Shubbar, Sayyid Mīr ‘Abd Allāh al-. n.d. *Al-Jawhar al-thamīn fī tafsīr al-Qur‘ān al-mubīn*. N.p.
- Shūsharī, Muḥammad Taqī al-. 1407 AH. *Al-Akhbār al-dakhīla*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Shūsharī, Muḥammad Taqī al-. 1417 AH. *Qāmūs al-rijāl*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Sobhani, Jafar. 1410 AH. *Kulliyāt fī ‘ulūm al-rijāl*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ṭabarsī, Aḥmad b. ‘Alī al-. 1413 AH. *Al-Ihtijāj*. Qom: Hadi Publications.
- Ṭabāṭabā‘ī al-Burūjirdī, Sayyid Ḥusayn al-. 1410 AH. *Jāmi‘ aḥādīth al-Shī‘a*. Qom: Mehr Publications.
- Tabrīzī, Muḥammad Taqī al-. 1384 AH. *Şahīfat al-abrār*. Qom: Maktabat al-Dawari.
- Tafrishī, Sayyid Muşṭafā al-. 1418 AH. *Naqd al-rijāl*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Ṭihrānī, Āqā Buzurg al-. 1403 AH. *Al-Dharī‘a ilā taşānīf al-Shī‘a*. Beirut: Dar al-Adwā.
- Waḥīd al-Bihbahānī, Muḥammad Bāqir al-. n.d. *Al-Ta‘līqa ‘alā manhaj al-maqāl*. N.p.